

## گفتارهای مدنی، رفتارهای غیر مدنی

نیستند و به صورت بخشی و موردی کار می‌کنند. انجمن نیز زیرمجموعه‌ای از این دسته دوم است که البته خود به دو شاخه قابل تقسیم است: شاخه اول نهادهای مدنی سرد با موضوعی خاص مثل محیط زیست که هرکسی با هر شغل و تحصیلاتی می‌تواند عضو آن شود. و نهادهای مدنی سرد با گرایش صنفی - اقتصادی مانند اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری و کارفرمایی. با زیاد شدن تعداد نویسنده‌ها و تبدیل شدن نویسندگی به حرفه، نویسندگان در پی آن بر می‌آیند که از دو نظر خود را تثبیت کنند: موقعیت شغلی و موقعیت فرهنگی. در ایران به موازات شکل‌گیری نهادی دولتی با نام کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، اولین نهاد مدنی ادبیات کودک با تأسیس شورای کتاب کودک در سال ۱۳۴۱ به وجود آمد.

● البته شورای کتاب کودک روال و نقشی متفاوت از انجمن نویسندگان کودک و نوجوان داشت، درست است؟

— همین‌طور است. این نهاد کارکردی صرفاً فرهنگی - ادبی داشت و بر اساس موضوع شکل گرفته بود، نه حرفه. رسالت شورا، آموزش و ارتقای کیفی اعضا و تأثیرگذاری کیفی بر ادبیات کودک است. در شورای کتاب کودک لازم نیست نویسنده باشی، و علاقه‌مندی به کتاب کودک در هر سطحی کافی است. از نظر حضور و عضویت در شورای کتاب کودک، فرقی نمی‌کند که پژوهشگر باشی یا عضوی ساده که دوست داری با ادبیات کودک بیشتر آشنا شوی؛ در صورتی که شرط ورود به انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در بخش تألیف، داشتن حداقل سه کتاب و در بخش ترجمه، پنج کتاب است.

● در صحبت‌هایتان شرط تأسیس نهادی مثل انجمن نویسندگان کودک و نوجوان را فعالیت حرفه‌ای و گسترده نویسندگان این حوزه دانستید؛ واقعاً معتقدید که نوشتن برای کودکان و نوجوانان دارای چنین وضعیتی و موقعیتی است؟

— سؤالی دقیق و حرفه‌ای است. در ایران نه تنها نویسنده ادبیات کودک، بلکه هیچ نویسنده‌ای نمی‌تواند به نوشتن به‌عنوان یک شغل نگاه کند. یعنی اگر جایی بگوید نویسنده‌ام، به او می‌گویند: «می‌دونم نویسنده‌ای، شغلت چیه؟». این نشان می‌دهد که نوشتن هنوز به‌عنوان حرفه شناخته نشده. پیش از جامعه مدرن و صنعتی - سرمایه‌داری، حرفه نویسندگی به‌شکل گسترده وجود نداشت و عمده نویسندگان و شعرا درباری بودند و سواد شکل عمومی نداشت. اما با به‌وجود آمدن و گسترده شدن نهادی مثل آموزش و پرورش، سواد از

به‌تازگی دوره دوساله دبیری شهرام اقبال‌زاده در انجمن نویسندگان کودک و نوجوان به پایان رسید، اما این باعث نشد که نام و یاد او از ذهن‌ها فراموش شود. اقبال‌زاده به‌خاطر فعالیت‌ها و ارتباط‌های گرمش با اعضا به‌عنوان یکی از مردمی‌ترین دبیران انجمن نویسندگان کودک و نوجوان شناخته شده است. البته حالا دوباره به‌سروقت فعالیت‌های تخصصی فردی‌اش یعنی نقد و ترجمه رفته و دبیری سه مجموعه مختلف داستان‌های ترجمه بزرگسال (رمان و داستان کوتاه)، داستان‌های تألیف بزرگسال با عنوان «داستان ایران» و ادبیات نوجوان (در دو بخش تألیف و ترجمه) نشر قطره را برعهده گرفته است.

شهرام اقبال‌زاده در حال حاضر کتاب‌های «نقدها و نظرها» و «ترجمه ادبی از نظر تا عمل» را در حوزه تألیف و «نظریه‌های ادبی جریان‌ساز در قرن بیستم» و «میخائیل باختین: از پدیدارشناسی تا جامعه‌شناسی» را در حوزه ترجمه در دست نگارش و ترجمه دارد. به‌هر صورت حضور دوساله اقبال‌زاده به‌عنوان دبیر و سخنگوی انجمن تجربه‌هایی برایش به‌ارمغان آورده که بخشی از آن‌ها در این گفت‌وگو بیان شده است.

عباس ترن

● در دوره‌ای که دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان بودید به‌طور مشخص بر نهاد مدنی بودن آن تأکید داشتید و در پی این بودید که اهداف انجمن را در این قالب پیگیری کنید. درست است؟ — بله و فکر می‌کنم بد نباشد که در همین شروع توضیح کوتاهی درباره خاستگاه نهاد مدنی بدهم. جوامع پیشامدرن و اقتصاد بسته معیشتی قوانین پیچیده‌ای ندارند و یک قدرت مستقر حاکم هست که قدرت قاهر است. اما با توسعه جوامع شهری، اقتصاد کشاورزی خودبسنده جای خود را به اقتصاد صنعتی می‌دهد و تقسیم‌کار به‌وجود می‌آید. روابط از این پس دیگر رو در رو نیست و شکل پیچیده‌ای پیدا می‌کند و در نتیجه آن دموکراسی شکل می‌گیرد. در چنین فضایی افراد و اقشار مختلف نهادهایی به‌وجود می‌آورند که وظیفه‌شان تنظیم روابط حکومت و دولت مستقر با مردم است که البته به‌دو دسته تقسیم می‌شوند: نهادهای مدنی گرم که احزاب سیاسی هستند و هدفشان تصرف قدرت است؛ و نهادهای سرد که در پی تصرف قدرت



شهرام اقبالزاده

انحصار اشراف در می‌آید و عمومیت می‌یابد. به همین خاطر ادبیات کودک از اساس یک مقولهٔ مدرن است. در جامعهٔ مدرن نیز در سه عرصهٔ به هم پیوستهٔ نهاد، خلق ادبی و نظریه و نقد، جریانی بالنده و پویا به وجود می‌آید. این را هم بگوییم که اولین کسانی که برای کودکان نوشتند، از روی عشق و علاقه دست به این کار زدند، اما با گذشت زمان است که نوشتن برای کودکان و نوجوانان به صورت یک حرفه در می‌آید و ناشر تخصصی پیدا می‌کند.

● بخش زیادی از اتفاق‌هایی که به آن اشاره کردید، در ایران افتاده؛ با وجود این فکر می‌کنید بتوان به نوشتن برای کودکان و نوجوانان به چشم یک شغل نگاه کرد که نهادی مثل انجمن نویسندگان کودک و نوجوان پیگیر و مدافع حقوقش باشد؟

— بله، ولی هنوز نویسندگی برای کودک حرفهٔ تام و تمام نیست و حتی می‌توانم بگویم ارزش هم نیست و تازه ضدارزش هم هست! انگار که نویسندهٔ دست‌دوم باشی و چون برای بزرگ‌ترها نمی‌توانی بنویسی، یا به این حوزه گذاشته‌ای. بعد از انقلاب با زیاد شدن تعداد نویسندگان کودک و نوجوان، طبیعتاً این قشر در ارتباط با جامعه و نیز ناشران مسائل و مشکلاتی پیدا کرد. جالب است بدانید که برای این‌گونه موارد، دادگاه‌های خاص وجود ندارد و نویسندگان در صورت بروز مشکل باید به دادگاه‌های عمومی مراجعه کنند. ضرورت تشکیل انجمن نویسندگان کودک و نوجوان فعالیت در دو عرصهٔ ارتقای کیفی ادبیات کودک با تشکیل کارگروه‌ها و کمیته‌ها و دفاع از هویت صنفی و اجتماعی نویسنده‌های کودک به عنوان حرفه بوده است.

● چه قدر این امکان وجود دارد که از حقوق نویسندگان دفاع کنیم و آن‌ها را به چیزی که حقشان بوده، برسانیم؟

— وقتی ناشری می‌بیند نهاد صنفی‌ای هست که همهٔ کسانی که باید کالای مورد نیازش را به او بدهند، در آن گرد آمده‌اند، حتماً به این توجه دارد که اگر حقوق یکی را نقض کند، همه خواهند فهمید. این فشار اجتماعی ناشی از نهاد مدنی بودن انجمن است که می‌تواند مهم‌تر از رجوع به دادگاه باشد. یعنی نویسندگان با تشکل خود دارای هویت فرهنگی و سرمایهٔ اجتماعی و ابزار فشار مدنی و قانونی برای احقاق حقوق خود می‌شوند.

● و به تجربه این فشار چه قدر کارساز بوده؟  
— به جز استثناهایی، در ۹۰ درصد موارد با تفاهم با ناشر، رضایت نویسنده را جلب کرده‌ایم. حتی به نویسنده‌ای که ناشرش مقاومت می‌کرد و اثرش را چاپ نمی‌کرد، این اختیار قانونی را دادیم که اثرش را در جای دیگری چاپ کند. البته این را هم بگوییم که انجمن نویسندگان کودک و نوجوان نه در مقابل ناشران، که در کنار آن‌هاست. زنجیرهٔ تولید یک زنجیرهٔ به هم پیوسته است و ناشر در چرخهٔ نشر، حلقهٔ واسطهٔ آفریننده و مخاطب است. این دو منافع مشترکی دارند، اما گاهی البته دچار اختلافاتی می‌شوند که ناشی از سوء تفاهم یا سوء استفاده است. به طور کلی در این ده سال، سطح اعتبار اجتماعی — فرهنگی انجمن بالا رفته و به طور مشخص در دوره‌ای که من بودم، بیشتر مورد توجه بود. وقتی یک معاون وزیر به خاطر نامه یا مصاحبهٔ دبیر انجمن تماس می‌گیرد، این یعنی که انجمن برایش اهمیت

داشته است. از طرف دیگر میزان حضور اعضا نیز به مراتب بیشتر از دوره‌های گذشته شد.

● یکی از دو هدف اصلی انجمن را ارتقای کیفی ادبیات کودک عنوان کردید و ابزارش را کمیته‌ها و کارگروه‌ها دانستید. در دو سال گذشته، انجمن کمیتهٔ فعال نداشت، درست است؟

— نه، این طور نیست. کمیته‌ها در سال پیش به خاطر شرایط اجتماعی دچار انفعال شدند. سال اولی که من آمدم، برای اولین بار همهٔ کمیته‌ها شکل گرفتند. کمیتهٔ پژوهشی داشتیم با مسئولیت مهدی یوسفی و چندین جلسهٔ حرفه‌ای و تخصصی تشکیل دادیم. دورهٔ کوتاهی کمیتهٔ آموزش به وجود آمد با مسئولیت پیروز قاسمی و سپس حمید نوایی لواسانی مسئولیتش را برعهده گرفت و کلاس‌های خوبی طراحی کردند که استقبال خوبی هم از آن‌ها شد. البته متأسفانه تشکیل این کلاس‌ها مصادف شد با وقایع بعد از انتخابات سال ۸۸ و موجب شد خیلی از کسانی که ثبت‌نام کرده بودند از شرکت در کلاس‌ها انصراف بدهند. یکی دیگر از کمیته‌ها، کمیتهٔ حقوقی بود. کمیتهٔ رفاهی هم داشتیم که مسئولیتش در دوره‌ای کوتاه با الهه نظام‌آبادی بود و برای تشکیل تعاونی مسکن تلاش‌هایی شد که البته به نتیجه نرسید. کمیتهٔ روابط عمومی هم داشتیم که دورهٔ کوتاهی نگار پدram آن را اداره می‌کرد و بعد هم اصلا نقرزلو که تا آخر بسیار فعال بود. کمیتهٔ فرهنگی هم کمیتهٔ دیگرمان بود که چند تغییر در مسئولیت داشت و نلی محجوب آخرین دبیر آن بود. در پایان هم

اضافه کنم که گسترش یا محدودیت فعالیت‌های مدنی با برآمد یا رکود فعالیت‌های اجتماعی بستگی تنگاتنگ دارد.

● نکته‌ای که به آن اشاره کردید، درست است؛ اما نگاه من به کمیته‌ها متفاوت است و تعریف و توقع دیگری از آن‌ها دارم که طبق آن حس می‌کنم اهداف کمیته‌ها محقق نشده.

— انتظار و تعریف‌تان از نظر ذهنی و آرمانی درست است اما از نظر عینی و عملی با شرایط تاریخی و اجتماعی و فرهنگی ما انطباق کامل ندارد. ما هر کمیته‌ای که تشکیل می‌دادیم، به تبع شرایط و به تدریج تحلیل می‌رفت. این که چیزی نیست؛ ما حتی نتوانستیم یک تحریریه ثابت برای خبرنامه انجمن تشکیل دهیم. متأسفانه از نظر تاریخی فعالیت مدنی، فرع فعالیت‌های شغلی و فردی آدم‌هاست. برای تعیین نقش کمیته‌ها اول باید ببینیم نهاد مدنی قرار است چه بکند که به نظر من این سه نقش را دارد: مشورتی، نظارتی و مشارکتی. کمیته‌ها تسمه‌هایی هستند که بین بدنه اجتماعی و نهاد مدنی ارتباط برقرار می‌کنند. یعنی کمیته پژوهش باید بتواند بگوید موقعیت پژوهش ادبیات کودک چگونه است، طرح‌هایی ارائه کند و کم‌کم نیرو جذب کند و نشست و سمینار بگذارد. این‌ها همه‌اش بودجه می‌خواهد و چشم اسفندیار انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و هر نهاد مدنی دیگر مسائل مالی است. برای اداره مطلوب انجمن نیاز به برنامه سازماندهی شده و سرمایه داریم.

● که فکر نمی‌کنم خیلی در این زمینه‌ها موفق بوده باشید.

— با شما موافق نیستم؛ ما سازماندهی می‌کردیم.

● بله، ولی سازماندهی‌ای که یک ماه بعد از آن مسئول کمیته کار را بگذارد و برود که...

— ببینید، ما اعجازمان این بود که در این دوره همه کمیته‌ها را تشکیل دادیم و هرکدامشان چند ماه فعال بودند. انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در هیچ دوره‌ای همه کمیته‌هایش فعال نبود و اکثراً شکل ظاهری داشتند.

● این حرف را در مورد دوره دبیری شما هم می‌شود زد؛ مثلاً می‌شود پرسید که کمیته روابط عمومی چه کاری از پیش برد؟

— نقش کمیته روابط عمومی این بود که مناسب‌ها را اطلاع دهد، که می‌داد و هنوز هم می‌دهد.

● همین دیگر! شما طبق تعریف‌تان با چنین فعالیتی یک کمیته را فعال می‌دانید، ولی من توقع بیشتر و گسترده‌تری از آن دارم.

— بحث خوبی شد و من دوست دارم خاطره‌ای که از اولین داوطلب کمیته روابط عمومی دارم، برایتان بگویم. یک نفر آمد و گفت من برای دبیری کمیته روابط عمومی وقت می‌گذارم و در ازایش فلان مبلغ می‌گیرم! از آن طرف یک نفر دیگر طرحی داده بود که از روی طرح یکی از اداره‌های دولتی نوشته بود و برای اجرایش طلب ماهی یک میلیون تومان کرده بود. این درخواست به حدی غیرمدنی و حتی ضدمدنی بود که در جلسه هیئت مدیره نیز طرحش نکردم. حرف من این است که ما ادعاهای مدنی داریم و شعارهای مدنی می‌دهیم، ولی رفتار و افکار مدنی نهادینه شده نداریم.

● همه این‌ها را قبول دارم و مقصودم از این سؤال‌ها زیر سؤال

بردن انجمن یا دبیرش نیست. اما بگذارید این طور نتیجه بگیرم که طبق شرایط موجود، کمیته‌ها به اهدافشان نرسیدند.

— بله، نتوانستند برسند. به‌خاطر این که انگیزه‌های کافی مادی و معنوی وجود نداشت. برعکس انجمن، انگیزه افرادی که در شورای کتاب کودک حاضر می‌شوند، کار داوطلبانه برای فرهنگ کودکان و نوجوانان است. به‌خاطر این که متکی به حدود پنجاه سال فعالیت مستمر و تربیت و آموزش کادرهای داوطلب است.

● البته این افراد که طبق گفته خودتان می‌توانند علاقه‌مندان ساده ادبیات کودک باشند، از نظر سطح و سواد قابل قیاس با کسانی که به عنوان مسئول کمیته‌های انجمن نویسندگان شناخته می‌شوند نیستند.

— درست است، در شورا تعداد حرفه‌ای‌ها خیلی کمتر است. اما انگیزه قوی معنوی — فرهنگی و حس مشارکت بالایی دارند. متأسفانه در انجمن انگیزه‌های فردی و قراردادهای شخصی بر منافع انجمن تقدم دارد و به همین دلیل فکر می‌کنم انجمن هنوز شکل و اتحاد لازم را پیدا نکرده است. گاهی ممکن است افرادی به این دلیل داوطلب بشوند که بتوانند از انجمن برای گسترش سرپل‌های ارتباطی خود و بستن قراردادهای زیرجلکی استفاده کنند.

● در دوره دبیری شما کارگروه‌ها فعالیت چشمگیرتری داشتند: داستان، شعر، فانتزی و علمی و تخیلی، و ادبیات نمایشی کارگروه‌های فعال بودند که به‌طور مرتب تشکیل جلسه می‌دادند. این کارگروه‌ها تا چه حد به اهدافی که برایشان تعیین شده بود رسیدند؟

— اتفاقاً در کارگروه‌ها چون افراد با هدفی خاص حضور پیدا می‌کنند، دچار مشکل انگیزه نیستند. مثلاً کسی که در کارگروه داستان حضور می‌یابد، مشخصاً به داستان علاقه دارد. عضو کارگروه برخلاف کمیته لازم نیست نویسنده حرفه‌ای و عضو انجمن باشد و در این دوره تعداد افراد کارگروه‌ها زیادتر شد و سطح کیفی بحث‌ها بالا رفت. این است که می‌گویم نقش نهادی مثل انجمن نویسندگان ارتقای سطح کمی و کیفی ادبیات کودک است.

● معیاری هم برای سنجش ارتقای کیفی دارید؟

— بله، داستان‌هایی که فرد بعد از یک سال می‌خواند، بهتر از هر چیز نشان‌دهنده این ارتقا است. بعضی از داستان‌هایی که در جاهای مختلف برنده شد، اولین بار در همین کارگروه‌ها خوانده شدند و برخی نیز که تا به حال هیچ اثری از آن‌ها در جایی چاپ نشده بود، بعد از حضور در کارگروه آثارشان منتشر شد.

● این معیارها به نظر بیشتر فردی می‌آید و فکر می‌کنم چنین پیشرفت‌هایی تا به خلق یک حرکت جمعی نینجامیده، نمی‌تواند یک اتفاق عمومی و گسترده در جامعه ادبیات کودک و نوجوان تلقی شود.

— در نهایت همه نویسندگان کارشان را فردی ارائه می‌کنند، اما سه عرصه به هم پیوسته نهاد، خلق ادبی و نظریه و نقد در رسیدن به هدفی که مد نظر شماست، تأثیر دارند. متأسفانه ما اصلاً چیزی به اسم تولید نهادی نداریم، حتی اگر کتابی تولید شده، نویسندگان

به‌طور فردی آن را نوشته‌اند. به‌نظرم خلق ادبی یک مرحله فردی است، اما پرداخت و عرضه‌اش جمعی است. تحولات کیفی قابل ارزیابی بالفعل لحظه‌ای نیست.

● شما دو سال دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان بودید؛ در این دو سال چه‌طور؟

— نه، این ارزیابی تنها در یک دوره تاریخی قابل انجام است. مثلاً می‌توانید بگویید از مشروطیت تا دههٔ چهل ادبیات کودک حرفه‌ای تر شده یا این که در دو دههٔ اخیر نیز از نظر کمی و کیفی ادبیات کودک در زمینه‌های گوناگون گسترش یافته است.

● با این حساب چه‌طور می‌توانیم متوجه شویم انجمن به هدفش که ارتقای کیفی ادبیات کودک بوده، رسیده یا در جهتش حرکت می‌کند؟

— می‌توانیم ارزیابی نسبی داشته باشیم و مثلاً به این دقت کنیم که تعداد نویسندگان کودک و نوجوان در نسل جوان بیشتر شده و سطح کیفی آثار بالا رفته است. نمونهٔ آن دانشگاهی شدن در سطح کارشناسی ارشد در «مرکز مطالعات ادبیات کودک» دانشگاه شیراز است.

● این که صرفاً کمی است.

— ببینید، کسانی که در کارگروه‌های انجمن حضور می‌یافتند، اصلاً ناشران حاضر به پذیرش آثارشان نبودند. اما بعد همان‌ها کارشان را گرفتند و چاپ کردند.

● این هم که بیشتر فردی است.

— بله، ولی این فرد در دل جمع بار آمده است.

● منظور من یک جریان کلی تر و وسیع تر است.

— خب، اگر توقع دارید مثل تیم آژاکس آمستردام سابق یا بارسلونا یازده نفر تیم یکدست حرفه‌ای بیرون بدهیم، باید بگوییم که نه، نمی‌شود!

● حرف من این است که همان تیم آژاکسی که مثال زدید، از طریق بازیکن‌سازی فوتبال هلند و حتی دنیا را تحت تأثیر قرار داد.

— بله، اما این تأثیرها به تدریج مشخص می‌شود.

● بسیار خوب. در صحبت‌هایتان به تحلیل رفتن کمیته‌ها اشاره کردید. در کارگروه‌ها نیز شاهد جابه‌جایی‌هایی به‌خصوص در اداره‌کنندهٔ کارگروه شعر بودیم. با توجه به این که برای ادارهٔ کمیته‌ها و کارگروه‌ها نیاز به یک برنامهٔ مدون و دید کلان تر است، چنین جابه‌جایی‌هایی می‌تواند برنامه‌ها را مختل کند یا به کل تغییر دهد.

دلیل این رفتن و آمدن‌ها چه بود؟

— مدیریت، ادارهٔ بهینهٔ امور است. این که چه کسی مسئول کارگروه باشد، خیلی مهم است و در کنار منطق و اعتبار، روابط فردی و عاطفی او با افراد در فعال بودن کارگروه تأثیر زیادی دارد. اما دلیل عدم ثبات در زمینه‌ای که به آن اشاره کردید، نگاه افراد به کار مدنی است که آن را مثل پیک‌نیک می‌بینند و فکر می‌کنند هر وقت دلشان خواست، می‌توانند بروند یا نروند! مشکل ما، تاریخی و فرهنگی و اجتماعی است. وقتی ثبات فکری، فرهنگی و اجتماعی نداریم، طبیعی است که ثبات شخصیتی هم نداشته باشیم. در داستان‌های

ادبیات کودک هم چهار شخصیت ماندگار نمی‌بینید. فقط یک «مجید» داریم و تمام! این‌ها که کارگروه‌اند، گاهی اعضای هیئت مدیره‌های قبلی سری هم به انجمن نمی‌زدند، یعنی تا حدودی مثل یک مهمان‌سرا با آن برخورد می‌کردند. یک نفر مسئولیتی می‌پذیرد و بعد فردایش می‌گوید: من دانشجوی فوق‌لیسانس یا پایان‌نامهٔ دکتری می‌نویسم و درسم سخت است و نمی‌توانم بیایم!

● شما یکی از محبوب‌ترین دبیران انجمن نویسندگان کودک و نوجوان بودید. دلیل این محبوبیت را چه می‌دانید؟

— راستش من در بدترین دورهٔ زندگی‌ام دبیر انجمن شدم، در دوره‌ای که هدف کلاهبرداری و حشنتاکی قرار گرفتیم که تمام زندگی‌ام را بر باد داد؛ و با کمال تأسف کلاهبردار مثل آب خوردن تیرنه شد و اعلام ورشکستگی کرد. همین مشکل باعث شد که من در این دوره، در انتخابات داوطلب نشوم. انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، پیش از حضور من به شکل نیمه‌وقت فعال بود. من برای انجمن همهٔ وقت و روزم را گذاشتم و تلفنی نبود که پاسخ داده نشود. درددل‌ها یا حتی صحبت دربارهٔ نوشته‌های اعضا و... در مجموع تلاش کردم انجمن را از یک ساختار اداری به یک ساختار مدنی و محیط دوستانهٔ عاطفی تبدیل کنم. ضمن آن که احترام پیشکسوت‌ها را داشتم، بیشترین ارتباط و دوستی را با جوان‌ها و افراد شناخته‌نشده برقرار کردم. سعی داشتم رابطهٔ دوستانه را به یک رابطهٔ مدنی ارتقا دهم. بعضی از دوستان به کنایه می‌گفتند: خبرنامه شده «اقبال‌زاده‌نامه»! دلیل این که اعضا از من نوشتند، شاید همین ارتباطها بود و این که من در خیلی از کارگروه‌ها در کنارشان حضور داشتم و مثلاً حتی در گزارش جلسه هم نامی از من می‌آمد. البته این حضور جزو وظایف من نبود و خودخواسته شرکت می‌کردم. البته در همهٔ فعالیت‌ها انصافاً هیئت مدیره، همراهی و پشتیبانی کرد.

● فکر نمی‌کنید همین فعالیت‌های خودخواسته و خودجوش، با همهٔ تأثیرهای خوبی که داشت، حالا کار را برای دبیر بعد سخت خواهد کرد؟

— ببینید، رابطهٔ دوستانهٔ روزمره و شرکت در همهٔ کارگروه‌ها، جزو وظایف دبیر انجمن نیست و او تنها موظف به داشتن رابطهٔ تشکیلاتی است. برای انجام کارهای روزمرهٔ انجمن دو ساعت کافی است و با این حساب فکر نمی‌کنم دبیر بعدی دچار مشکل شود.

● ولی قبول کنید که تحت فشار خواهد بود و احتمالاً اعضا از او توقعاتی دارند.

— بله، حتی خبرگزاری‌ها هم ممکن است چنین نگاهی داشته باشند. مثلاً ممکن است بگویند چرا دبیر جدید دربارهٔ شعر صحبت نمی‌کند. خُب، برای این که اصلاً جزو وظایفش نیست! محمد شریعتی هم در مجمع عمومی گفت که با رفتن اقبال‌زاده خلاً ایجاد خواهد شد که من موافق نیستم. در این دوره می‌بینم افراد و اعضای هیئت مدیره خیلی بیشتر به دبیر کمک می‌کنند. چون احساس می‌کنند نباید این خلاً ایجاد شود. در نهایت فکر می‌کنم با تلاش رئیس هیئت مدیره که روابط عمومی قوی‌ای دارد، مشارکت بالا خواهد رفت و خلاًها پر خواهد شد. گاهی یکدستی تیم مهم‌تر از آن

است که یک چهره درخشان داشته باشیم.

### درآمده؟

– بیشترین تلاش را کردم و این نگاه را داشتم. نه فقط در این دوره، که همان طور که گفتیم، در سه دوره قبل هم که دبیر روابط عمومی بودم، برای اولین بار نشست مشترک چند نهاد در انجمن نویسندگان کودک و نوجوان برگزار شد. من در همه مصاحبه‌هایم گفته‌ام نهادهای مدنی را با خرد جمعی به صورت یک ائتلاف سراسری و ملی دربیوریم. این تفکر من است و نقش نهادهای مدنی را خیلی مهم می‌دانم. امیدوارم در دوره جدید فعالیت انجمن یک رابطه ارگانیک و فعال بین تمامی نهادهای مدنی موجود در ادبیات کودک برقرار شود و به اتحادیه‌ای با حفظ استقلال خودشان منجر شود. در عین حال من هم به عنوان یک عضو انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و کسی که در ده سال اخیر عمرش را برای ادبیات کودک گذاشته، هر جا باشم فعالیت انجمنی خودم را انجام خواهم داد و همه امیدم این است که انجمن به یک اداره که تنها به انجام وظایف روزمره اش فکر می‌کند، تبدیل نشود.

مهم این است که بدانیم حرکت یک جریان یا نهاد مدنی نباید با آمدن یا رفتن این یا آن فرد خدشه‌دار شود و باید به آن به صورت یک دوی امدادی نگاه کرد. کسانی که جدید می‌آیند، نباید نگاهشان به پیشینیان همچون یک مستأجر باشد؛ گرچه از نظر انسانی، مستأجر هم به اندازه مالک انسان است و شرافت دارد، اما چه باید کرد که فعلاً ما مستأجریم! به هر حال برای هیئت مدیره، به‌ویژه دبیر جدید و انجمن آرزوی توفیق دارم.

● شما در دوره دبیری تان از تباطوهای خوبی با خبرگزاری‌ها و افراد مختلف داشتید و برنامه‌های مشترکی با نهادهای دیگر اجرا کردید. سؤال من این است که همان طور که خودتان اشاره کردید این ارتباطات و اتفاقات در قالب یک نهاد افتاده و به ثبات رسیده یا تنها قائم به حضور فرد شما بوده است و حالا دیگر ادامه پیدا نخواهد کرد؟

– من فکر می‌کنم حفظ بشود. البته برای بعضی از این برنامه‌ها نیز باید خود هیئت مدیره اقدام کند. مثلاً برنامه شهر کتاب از رابطه دوستانه و بحث‌های فردی من و علی اصغر محمدخانی شروع شد. حالا اگر هیئت مدیره جدید تمایل داشته باشد، می‌تواند با آقای محمدخانی صحبت کند.

● آخر «می‌تواند» که نشان از نهادی شدن این فعالیت ندارد. صحبت من این است که اگر این فعالیت مشترک انجمن با رفتن شهرام اقبال‌زاده حذف شود، اتفاق نهادی‌ای صورت نبسته و رابطه‌ای با ثبات در قالب دو نهاد شکل نگرفته است.

– حرفتان کاملاً درست است. به خاطر همین، در دوره‌ای که دبیر روابط عمومی بودم، تلاش کردم که به جای این پیوند فردی، پیوند تشکیلاتی ایجاد کنم و تمامی نهادهای موجود ادبیات کودک را به هم نزدیک کنم. منظورم ادغام تشکیلاتی نیست، فعالیت‌های مشترکی است که از صورت فردی که به آن‌ها اشاره کردید، دربیاید.

● و حالا فکر می‌کنید بعد از دو سال دبیری تان از این شکل فردی



تصویرگر: علی نامور